



● در آمد  
شیخ راغب حرب بنیانگذار مقاومت ضد صهیونیستی در جنوب لبنان، همچون مشعل درخشنده و فروزانی برای رزمندگان و مجاهدان راه آزادی و استقلال لبنان است. ایشان با جهاد خستگی ناپذیر و ایراد سخنانی آتشین و منطقی در مناسبت‌های گوناگون و سرانجام با نثار خون پاک و سرخ خود توانست دستاوردهای ارزشمندی برای مردم شجاع و سلحشور لبنان به ارمغان بیاورد. شاهد یاران در این مقاله کوشیده است برخی دیدگاههای آن شهید زنده یاد را به آگاهی خوانندگان گرامی برساند:

■ فرازهایی از دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های شهید شیخ راغب حرب درباره مسایل سرنوشت ساز لبنان و جهان

## شیخ شهید در پیکار سیاسی، اخلاق اسلامی را رعایت می‌کرد...

### موضع‌گیری‌های سیاسی :

شیخ شهید، پیکار سیاسی را تلاشی مستمر برای خدمت به مردم و رسیدگی به مشکلات آنان می‌دانست و همواره افراد مسلمان را به تلاش برای نجات امت از قید بندگی و دنباله‌روی از قدرت‌های بزرگ، فرا می‌خواند. راغب حرب بر این باور بود که علم سیاست و پیکار سیاسی، آن گونه که امروزه در دنیا معمول می‌باشد و دلالت و بازیگران سیاسی از آن سوءاستفاده می‌کنند نیست. او همواره تأکید می‌کرد که سیاستمدار باید پرهیز کار باشد و با بندگان خدا با عدالت رفتار کند. رفتار سیاسی هنگامی سودمند است که بر مبنای ترس از خدا و خدمت به مردم توأم باشد. اما امروزه رفتار سیاسی‌شان به گونه دیگری است. چه اتفاقی افتاده که مردم از سیاستمداران بی‌زاری می‌جویند؟ چرا علم سیاست به ابزاری برای تحکیم حکومت طاغوتیان تبدیل شده است؟

فرصت خیلی کم پیش می‌آمد تا شیخ راغب در حین ایراد سخنرانی یا گفت و گو با مردم به بحث درباره امور مسلمانان نپردازد. به ویژه در امور سیاسی که معمولاً در هیچ کشور اسلامی خالی از نارسایی نیست. او در رابطه با لبنان پیوسته درباره گسترش فساد سیاسی نظام و ضرورت دامن زدن به دگرگونی تأکید می‌کرد. او معتقد بود که مسلمانان لبنان پیوسته در معرض توطئه‌های صهیونیسم و مسیحیان طرفدار اسرائیل قرار دارند. لذا باید با اسرائیل و مارونی‌های فالانژ که ابزار دست اسرائیل هستند پیکار کرد، و تا زمانی که این مشکلات حل نشوند لبنان آرام نخواهد گرفت.

شیخ راغب درباره لزوم برپایی حکومت اسلامی در خاورمیانه تأکید می‌کرد، اما لبنان را کوچک‌تر از آن می‌دانست که بدور از کشورهای منطقه تحمل حکومت اسلامی را داشته باشد. این مسئله یکی از مهم‌ترین محور فعالیت‌های اساسی و اندیشه‌های سیاسی او را تشکیل می‌داد. به همین دلیل با همه محورهای فکری جبهه چپ گرایان به شدت مبارزه کرد و وحدت مسلمانان را ضروری می‌خواند. برای مثال با جدائی صحرائی باختری توسط حکومت پولیساریو از کشور مغرب مخالفت می‌کرد و همواره در سخنرانی‌های خود به این نکته اشاره داشت. مسئله استعمار یکی از مهمترین محورهای فکری او

■ ■ ■  
**شیخ همواره تأکید می‌کرد که سیاستمدار باید پرهیز کار باشد و با بندگان خدا با عدالت رفتار کند. رفتار سیاسی هنگامی سودمند است که بر مبنای ترس از خدا و خدمت به مردم توأم باشد.**

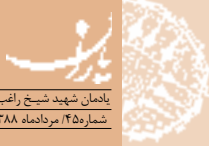
را تشکیل می‌داد، و آن را پیگیری می‌کرد و نسبت به توطئه‌های استعمار هشدار می‌داد. او خواستار این بود که قضیه فلسطین قضیه اسلام است و باید از سر سپردگی اعراب در برابر اسرائیل و سازش برسر قضیه فلسطین

بر حذر بود. دولت لبنان را بر ضرورت تقویت نظامی جنوب در برابر تجاوزگری‌های مستمر اسرائیل و کمک به کشاورزان جنوب و برنامه‌ریزی برای احداث پناهگاه در آن منطقه دعوت می‌کرد. مردم مقاوم جبل عامل را به پایداری در سرزمین‌شان تشویق کرد، و به این منظور در خانه خود در روستای الشرفیه پناهگاه احداث کرد تا مردم در مواقع بمباران به آن پناه ببرند. به مردم توصیه می‌کرد منتظر دولت نشوند تا برای آنها پناهگاه بسازد. هر سه خانوار تشریک مساعی کنند و یک پناهگاه در مناطق مسکونی‌شان بسازند.

شهید حرب به قضیه عراق و جنبش‌های اسلامی آن کشور توجه زیادی داشت و مخالفت او با رژیم بعث عراق آشکار بود. شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر (ره) توسط صدام در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مخالفت شیخ را با رژیم حزب بعث به اوج رساند.

### اخلاق سیاسی

شهید راغب حرب در پیکار و فعالیت‌های سیاسی، اخلاق اسلامی را رعایت می‌کرد. به لحاظ علاقه و ارتباطی که به خداوند متعال داشت، انسانی مؤمن و پایبند به اجرای احکام اسلامی و امور مستحبی بود. به اقامه نماز جماعت و امامت نماز جمعه و رسیدگی به امور مساجد و حسینیه‌ها و آبادانی و نظم آنها جدیت می‌کرد. برای مراسم نیایش و قرائت قرآن و روضه خوانی برای امام حسین را دوست داشت. می‌توان گفت که شهید برای ارشاد و هدایت و موفقیت و سعادت مردم تلاش می‌کرد و هر چیزی را که برای خود دوست می‌داشت یا که برای خود نمی‌خواست



بین‌المللی مستضعفان به تهران آمد. به او هنگام اقامت در تهران اطلاع دادند که اسرائیل به لبنان حمله کرده و اوضاع این کشور بحرانی شده است. تحولات لبنان شیخ را به شدت نگران کرد، و پس از پایان کار همایش و آشکار شدن اهداف اسرائیل از اشغال جبل عامل و بخش وسیعی از خاک لبنان تصمیم گرفت بیدرنگ به جنوب بازگردد تا در کنار هم‌زمان مؤمن و مجاهد این سرزمین به جهاد و مبارزه بپردازد.

در یادداشت‌های شیخ درباره چگونگی بازگشت به لبنان آمده است: روز یکشنبه سوم شوال سال ۱۴۰۲ قمری شب را در منزل محمد العوطه در روستای علی النهری در بقاع به سر بردم. صبح زود با ماشین به شهر زحله و از آنجا خود را به روستاهای کیفون و بیصور و عمرون و سپس به شهر صیدا در جنوب رساندم. در صیدا ۵۰۰ لیره لبنانی (به نرخ آن روز حدود ۲۰۰ دلار آمریکایی) به راننده دادم و با ماشین دیگری به جیشیت رفتم و عصر به آنجا رسیدم. در مسیر میان راه از پاسگاه‌ها و نقاط بازرسی اشغالگران گذشتم. برای اولین بار رفتار اشغالگران را با چشم دیدم. کینه شدیدی نسبت به نظامیان صهیونیست سراسر وجودم را فرا گرفت. چهره خود را از چشم اشغالگران پوشاندم. در جیشیت استقبال باور نکردنی از من به عمل آمد. هر کسی که به دیدن من آمد درباره تحولات جنوب پس از اشغال بحث می‌کرد. وقتی شنیدم که نماز جمعه همچنان ادامه دارد، خوشحال شدم. همچنین برگزاری مراسم شب‌های احیاء ماه رمضان و نیز نصب پلاکاردهای تبریک عید سعید فطر در ورودی شهر مرا شاد کرد.

به این ترتیب شیخ به کشور و زدگاهش بازگشت ولی با واقعیت جدید و دردناکی مواجه شد. واقعیت پایمال شدن حقوق کشورش در برابر ماشین جنگی دشمن

**شهید راضی‌حرب در پیکار و فعالیت‌های سیاسی، اخلاق اسلامی را رعایت می‌کرد. به لحاظ علاقه و ارتباطی که به خداوند متعال داشت، انسانی مؤمن و پایبند به اجرای احکام اسلامی و امور مستحبی بود.**

صهیونیست، واقعیت اشغالگری، که بر سینه مردم سنگینی می‌کند، اما دشمن هرگز نتوانست همه چیز را وارونه جلوه دهد. برقراری حکومت نظامی نیز نتوانست به اشغالگران امنیت دهد. شیخ با دورنگری و سعه صدر اجازه نداد مردم مأیوس شوند. با ایمان و توکل بر خدای بزرگ و با عزمی زود هنگام به عنوان یک روحانی متعهد و پیشستاز مردم و شریک غم و شادی آنان زمام امور را به دست گرفت. اولین گام را با فراخوانی مردم برای حضور در مساجد و حسینیه‌ها و پایبندی به نمازهای جماعت در سایه قانون حکومت نظامی برداشت. دومین گام را با اعلام ضرورت پایبندی مردم مؤمن به احکام دین مبین اسلام

با مردم نیز اینچنین بود. سبک صحبت کردن او شیرین و متین بود و همه کارها را با جدیت دنبال می‌کرد. در معاشرت با مردم آداب و رسوم اسلامی را رعایت می‌کرد، و در خدمت به برادران دینی پیشگام بود.

او مردی زاهد، شجاع، آگاه، با هوش و حاضر جواب بود. در برخورد با مردم محروم جنوب، پیوسته خدا را یاد می‌کرد، و نسبت به خانواده و پدر و مادر به نیکی رفتار می‌کرد. این رفتار نیک هنگام بیماری سرطان پدرش که ماه‌ها طول کشید کاملاً آشکار شد. او از هیچ فرصتی برای خدمت به پدر دریغ نمی‌کرد. چون پدر نیازمند رفتن به بیروت برای درمان بود، شیخ راضی‌حرب مانند فرزندی مهربان همیشه در خدمت پدر قرار داشت. با پدر به مطب دکتر و به بیمارستان می‌رفت و داروهایش را فراهم می‌کرد. تا زمانی که پدر زنده بود برخی از فعالیت‌هایش را به خاطر پدر کنار گذاشت.

### رویارویی با اشغالگران

مسئله تقوا در پیکار سیاسی، یکی از مهمترین محورهای مبارزات سیاسی شیخ راضی‌حرب را در رویارویی با اشغالگران صهیونیست تشکیل می‌داد. تقوای سیاسی، دورنما و راهکار مبارزاتی شیخ را به روشنی مشخص کرده بود. تقوای سیاسی به او انگیزه‌ای داده بود تا در برابر همه عواملی که موجودیت مسلمانان را تهدید می‌کند بایستد، با وجودی که بسیاری از سیاستمداران لبنانی در دام پذیرش واقعیت‌های جدید پس از اشغال کشورشان توسط رژیم صهیونیستی قرار گرفتند، شیخ راضی‌حرب در خط پیشگامان مخالفت با اشغال کشورش قرار گرفت. در پی آغاز نخستین عملیات ضد صهیونیستی در جنوب لبنان شیخ راضی‌حرب اعلام کرد: «ما بر خدای بزرگ توکل کرده‌ایم و بر پیمان با خدا وفادار خواهیم بود. اشغالگری را نمی‌پذیریم. امام خمینی (ره) تکلیف مقاومت را روشن کرده است. حکم خدا نیز در این زمینه روشن است. بر موضع‌مان پایدار خواهیم بود. مقاومت را ادامه خواهیم داد. بهای مقاومت صد هزار شهید است؟ دویست هزار شهید است؟ باکی نیست!!»

یک روز پیش از یورش اسرائیل به لبنان و اشغال این کشور، شهید شیخ راضی‌حرب برای شرکت در همایش



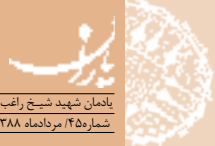
و تحریم هرگونه همکاری با دشمنان خدا برداشت. حضور مردم در نماز جمعه را نشان دهنده شکست اقدامات اعراب آمیز دشمن و آغاز رویارویی با نظامیان رژیم صهیونیستی می‌دانست.

شهید راضی‌حرب فعالیت‌های خود را در زمان اشغال جنوب لبنان به روستای جیشیت محدود نکرده و دامنه آن را به شهرها و روستاهای مجاور گسترش داد. او به مناطق گوناگون رفت و آمد می‌کرد و مردم را به مبارزه فرا می‌خواند. در یکی از سخنرانی‌های حسینیه روستای النمریره بر ضرورت تسلیم نشدن در برابر اشغالگران تأکید کرد. هرچند که امکان داشت بهای سنگین این موضع گیری را بپردازد. سخنان آنچنانی در آن برهه جرأت زیادی می‌خواست. زمانی که همسایه از همسایه بیم داشت، سخن بر ضد اشغالگران در زمانی که مناققان به اشغالگر خوش آمد گفتند و با او اظهار دوستی کردند و آن را فرشته نجات به حساب آوردند کار آسانی نبود. اما دیری نپایید که اشغالگران صهیونیست به همه شهروندان لبنانی ثابت کردند که جز یک ارتش اشغالگر چیز دیگری نیستند که با همه امکانات نظامی خود برای تصرف این سرزمین آمده‌اند. تا مردم اشغال سرزمین فلسطین را فراموش کنند، و تنها در مناسبت‌ها از آن یاد بشود. در راستای این سیاست اسرائیل اقدام به تشکیل نیرویی به نام «ارتش آزاد لبنان» کرد و اعضای آن جوانانی از روستاهای مختلف لبنان بودند. و اشغالگران از طریق آنان سعی کردند زمام امور را در روستاها به دست بگیرند که البته با مخالفت و مقاومت مردم روبرو شد چرا که ماهیت ارتش اسرائیل را شناخته بودند.

### درباره مزدوران و خائنان به میهن

شیخ راضی‌حرب در تعریف اوضاع و شرایط دوران یورش رژیم صهیونیستی به لبنان گفته است: بی‌تردید یورش اسرائیل به لبنان یک حادثه وحشتناک بود. تعداد بسیاری از لبنانی‌ها دچار شوک گرفتگی و سردرگمی شدند. مشت افراد بسیاری نیز که نقش جاده صاف کن اشغالگران را بازی می‌کردند باز شد. بسیاری سیاستمداران به دره سقوط غلتیدند و دست دوستی به سوی دژخیمان دراز کردند. مزدورانی که ترجیح داده بودند بنده و نوکر اسرائیل باشند، با بهانه‌های واهی به دشمن میهن خدمات ارزان تقدیم کردند. ابزار سرکوب دشمن قرار گرفتند و از پشت به هموطنان و بستگان خود خنجر زدند و نقش خطرناکی ایفا کردند.

شیخ الشهید با مشاهده صحنه‌های خیانت و مزدوری برخی لبنانی‌ها به آنان هشدار داد تا به ملت خویش بازگردند. اما هنگامی که گوش شنوایی نیافت امت را از پیامدهای رفتار زشت این افراد خود فروخته برحذر داشت.



## در شرایطی که همسایه از همسایه بیم داشت، در زمانی که منافقان به اشغالگر خوش آمد گفتند و با او اظهار دوستی کردند و آن را فرشته نجات به حساب آوردند، سخن گفتن بر ضد اشغالگران کار آسانی نبود.

مهدی موعود (عج) آشکار گشته است. منافقان و برخی دولت‌های ثروتمند خلیج فارس تابش خورشید را دوست ندارند. سازمان کنفرانس اسلامی علاقه ندارد فجر انقلاب ادامه یابد. فجر انقلاب اسلامی ایران، فرانسه را ناخرسند و آمریکا را خشمگین کرده است. شوروی نیز انقلاب را عامل تهدید منافع خود می‌داند. بیشتر دولت‌های جهان دوست ندارند فجر انقلاب تداوم یابد. اما خداوند اراده کرده که انقلاب ادامه یابد.

شیخ الشهید در یکی از سخنان خویش با تلخکامی و ابراز تأسف، درد و رنج‌های طولانی مسلمانان جهان را شرح می‌دهد و می‌گوید: مسلمانان روزگاری را پشت سر گذاشتند که هیچ کسی برای آنان ارزش قایل نبود. در برخی مراحل مانند برده زندگی می‌کردند. اما امروزه به برکت انقلاب اسلامی معادلات بین‌المللی دگرگون گشته است. پس از این که مسلمانان پرهیزکار شدند. پس از این که درخشش نور انقلاب اسلامی جهان را فرا گرفت، مسلمانان مستضعف عزت و جایگاه اصلی خود را بازیافتند. اکنون بسیاری از قدرت‌های جهان از مسلمانان حساب می‌برند. در دل دشمنان خدا و انسانیت رعب و وحشت ایجاد کرده‌اند. تا پنج سال پیش هیچ کسی برای مسلمانان افغانستان، فیلیپین، عراق، اندونزی، لبنان و فلسطین حساب قائل نمی‌شد. طاغوتیان بزرگ و کوچک توجهی به حال مسلمانان نداشتند. اما امروزه چه اتفاقی افتاده است؟ مهمترین رویداد این است که بیشتر مسلمانان پرهیزکار شده‌اند و خدا به آنان کمک کرده است. هر چند در برخی مناطق جهان، مسلمانان هنوز اراده و استقلال واقعی خود را باز نیافته‌اند و قدرت‌های استکباری می‌کوشند اراده‌شان را بر آنان تحمیل کنند. اما شکی نیست که معادلات بین‌المللی تغییر کرده است. همه از فضای جدیدی که به برکت انقلاب اسلامی حاصل آمده ترس دارند. اکنون قدرت اسلام در دل طاغوتیان ترس و وحشت ایجاد کرده است.

### درباره تروریسم جهانی

هنگامی که استکبار جهانی با امکانات انبوه تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی می‌کوشید چهره انقلاب اسلامی را مخدوش کند، و نظام جمهوری اسلامی را به پشتیبانی از تروریسم و بر هم زدن ثبات و امنیت جهانی متهم نماید. شهید شیخ رافع حرب همه این اتهامات دروغین را مردود شمرده و اعلام کرد که هویت و مصدر اصلی تروریسم جهانی دولت آمریکا است. آمریکا برای جنگ با مسلمانان جهان، تروریسم را بهانه قرار داده است. آمریکا از تروریسم سخن می‌گوید. من از مردم می‌پرسم چه کسی تروریسم را پرورش داده است؟ اصولاً تروریست‌ها چه کسانی هستند؟



اندیشه و تفکر شیخ رافع حرب داشت، و طلوع خورشید انقلاب را عامل عزت و سربلندی امت اسلامی و سایر مستضعفان جهان می‌دانست. در هر محفل و مجلسی از انقلاب سخن به میان می‌آمد با شادی و نیکی از آن یاد می‌کرد. همواره می‌گفت که به رغم خواست بدخواهان و دشمنان، انقلاب راهش را ادامه خواهد داد. اکنون فجر انقلاب به رهبری امام خمینی طلوع کرده است. زمینه برپایی دولت

از مردم خواست خائنان را تحریم و منزوی کنند. آنان را افراد پست و بی‌هویت توصیف کرد. زیرا افرادی که دست در دست دشمن قرار می‌دهند، به پدران و مادران خود هم رحم نمی‌کنند. آنان از شرافت انسانی و جوانمردی بدور هستند، و جامعه از آنان متنفر است.

### درباره توافقنامه ۱۷ مه سال ۱۹۸۳

رژیم صهیونیستی با سوء استفاده از اوضاع نابسامان و آشفته مردم لبنان در پی یورش وحشیانه به این کشور کوشید شرایط و خواسته‌های خود را بر دولت لبنان تحمیل کند. اسرائیل پس از بیرون راندن سازمان‌های فلسطینی از لبنان امین جمیل رئیس جمهوری وقت این کشور را وادار کرد با او قرار داد سازش امضا کند. اسرائیل آرزو داشت با تحمیل سازش بر دولت لبنان، تدابیر امنیتی در مرز لبنان با فلسطین اشغالی برقرار نماید تا از حمله مجدد سازمان‌ها و جنبش‌های مقاومت به شمال فلسطین اشغالی خودداری شود. رژیم صهیونیستی همچنین انتظار داشت با امضای قرار داد سازش به دستاوردهای سیاسی نیز نایل آید.

شهید شیخ رافع حرب با آگاهی از ابعاد خطرناک امضای موافقتنامه سازش با اسرائیل بر مردم لبنان و تقدیم امتیازات و تضمین‌های امنیتی به این رژیم متجاوز، معتقد بود که هرگونه سازش با این رژیم لکه ننگی بر تاریخ مردم لبنان خواهد بود. در پی امضای این موافقتنامه شیخ بالای منبر مسجد جامع جیشیت رفت و اعلام کرد که مردم لبنان هیچ تضمینی به دشمن نمی‌دهند. مردم لبنان از هویت ملی و آرمان‌های دینی خود دست نمی‌کشند. اشغالگران باید بدون قید و شرط و هرچه زودتر از این سرزمین خارج شوند. هر اندازه در این سرزمین بیشتر بمانند، با باری خداوند روزی ناچار خواهند شد با ذلت و خواری از لبنان عقب نشینی کنند. و این خواسته شیخ در سال ۲۰۰۰ با پیروزی رزمندگان مقاومت اسلامی تحقق یافت.

### درباره بازداشتگاه‌های اسرائیل در جنوب لبنان

زمانی که مردم لبنان مرحله رعب و وحشت از اسرائیل را پشت سر گذاشتند، و نفس راحتی کشیدند، و از خواب غفلت بیدار شدند، و فریاد اعتراض در برابر دشمن اشغالگر برآوردند، آنگاه نیروهای اسرائیلی کوشیدند صدای مردم حق جو و آزادی خواه را خاموش کنند. تعقیب و بازداشت و پیگرد مجاهدان مؤمن را آغاز کردند. در چنین شرایطی دهه‌ها تن از جوانان انقلابی بازداشت شدند. اما شیخ الشهید ساکت ننشست. از منبر مسجد جیشیت بالا رفت و با خشم و اعتراض انقلابی به دشمن هشدار داد که موج بازداشت جوانان مؤمن، دامنه اصرار مردم آزادی‌خواه جنوب را برای رهایی و کسب استقلال گسترش می‌دهد.

شیخ خطاب به دشمن گفت: بدانید، اگر می‌خواهید با ارباب و بازداشت، ما را ساکت کنید کور خوانده‌اید! با گشایش هزار بازداشتگاه نمی‌توانید مردم به‌خواسته خاموش کنید! نمی‌توانید ۷۵۰ هزار تن از جوانان و کودکان و زنان جنوب لبنان را بازداشت و تحت بازجویی قرار دهید! هرگز نمی‌توانید با جنینی که هنوز در شکم مادرش قرار دارد برخورد کنید. بی تردید نسلی زاده خواهد شد که کینه و نفرت از قوم یهود را در دل خواهد داشت.

### درباره ضرورت ادامه مقاومت

با گذشت زمان دامنه مقاومت و رویارویی با اشغالگران گسترش می‌یابد. دشمن نیز برای سرکوب قیام همگانی مردم جنوب همه نیروها و مزدوران خود را بسیج می‌کند، اما انقلابیون را به شدت و با بیرحمی سرکوب کند. اما کار از کار گذشته بود. چرا که مقاومت اسلامی با عزمی



**شیخ الشهید گفته بود: مقاومت اصرار دارد به هر قیمتی که شده راه پر فراز و نشیب را تا نهایت ادامه دهد. مردم ما آماده‌اند گرسنگی را به جان بخرند، اما از مقاومت دست نکشند. آماده‌اند جانفشانی و فداکاری کنند، اما تسلیم دشمن نشوند.**

با وجودی که ایشان برای وحدت اهمیت بسیار قابل بود، و آن را یک نیاز مبرم برای امت اسلامی می‌دانست، اما برای تحقق وحدت معیارها و ملاک‌های مخصوصی در نظر داشت که مهم‌ترین آنها پرهیزکاری است. چرا که وحدت منهای پرهیزکاری سودمند نخواهد بود. وحدت با یاه‌گویان و جنجال برانگیزان سازگار نمی‌باشد. در زمانی که اشغالگران جنوب لبنان را

در تصرف داشتند، وحدت کلمه و وحدت موضع‌گیری اصولی را اجتناب‌ناپذیر می‌دانست، و معتقد بود برای این که در دنیا پیروزند باشیم و در آخرت رستگار شویم باید اتحاد و یکپارچگی مان را حفظ کنیم.

#### درباره نظام سیاسی لبنان

در زمانی که لبنان دستخوش حوادث گوناگون و درگیری‌های خونین بود شهید رافع حرب افکار و موضع‌گیری‌های ژرفی ارائه می‌کرد و نظام سیاسی لبنان را ناشی از دوران اشغال این کشور توسط استعمارگران فرانسوی می‌دانست. او معتقد بود که نظام‌های سیاسی حاکم بر کشورهای عربی و اسلامی باقی مانده دوران حاکمیت استعمارگران غربی است. و مهم‌ترین عامل مشروعیت این نظام‌ها غرب است. چرا که این نظام‌ها مشروعیت مردمی ندارند و اگر دولت‌های غربی از حمایت این نظام‌ها دست بردارند، این نظام‌ها بی‌درنگ فرو می‌ریزند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پیش از حمله اسرائیل به لبنان، شیخ رافع حرب دیدگاه صریح خود را درباره لزوم شکل‌گیری نهضت اسلامی در لبنان بر اساس خط مشی امام خمینی (ره) بیان کرد. در ارتباط با جنگ داخلی لبنان موضع منحصربه‌فردی اتخاذ نمود، و از تشویق مسلمانان به ادامه جنگ با مسیحیان و یا اخراج آنها از لبنان امتناع ورزید. ایشان تأکید می‌کرد که اگر قرار باشد در لبنان حکومت اسلامی برقرار شود، این حکومت وظیفه دارد حقوق مسلمانان و مسیحیان را به طور مساوی

تضمین نماید. با وجودی که شیخ مخالف جنگ‌های داخلی لبنان بود اما عقیده داشت که احزاب طرف مقابل مسیحیان، یعنی احزاب جبهه ملی واقعاً اسلامی نیستند و نماینده مسلمانان نمی‌باشند. زیرا با روح اسلام فاصله دارند. اسلام و مسلمانان را بازپه اهداف خود قرار داده‌اند. لذا با درگیر شدن مسلمانان واقعی در جنگی که به سود احزاب لائیک و لیبرال تمام شود به شدت مخالفت می‌کرد. اصولاً از این جنگ ویرانگر و بیهوده انتقاد می‌کرد. جنگی که بسیاری از قربانیان آن بیهوده از بین رفتند. او می‌گفت که ده‌ها هزار لبنانی در این جنگ کشته شدند اما چه سودی برای مسلمانان داشت؟ این افراد اگر در شرایط و مکان مناسب و در جهت صحیح، یعنی علیه اسرائیل و برای آزادی فلسطین کشته می‌شدند. مسئله آزادی قدس و فلسطین حل می‌شد.

شیخ بخش مهمی از سخنرانی‌ها و بحث‌ها و وقت و انرژی خود را به این امور اختصاص داده بود. در آن زمان خطر صهیونیسم جنوب و مردم آن را تهدید می‌کرد، و بخش وسیعی از این سرزمین را پیوسته مورد تجاوز و بمباران‌های بی‌در پی قرار داده بود و آن را به سرزمین سوخته تبدیل کرده بود. شهید رافع حرب با صلابت و اصرار در برابر این تجاوزگری‌ها ایستاد و مردم را به پایداری و مقاومت در برابر تجاوزگری مستمر صهیونیست‌ها فرا خواند و اراده آنها را محکم و روحیه آنان را تقویت می‌نمود.

ایشان معتقد بود که اسرائیل می‌خواهد جنوب لبنان را اشغال و ساکنان آن را آواره کند. لذا وحشیانه این سرزمین را بمباران می‌کند، تا بتواند بیشتر اهالی آن را آواره و پراکنده نماید. او در یکی از خطبه‌های نماز جمعه شهر جبشیت خطاب به مردم جنوب لبنان گفت: اسرائیل چه کاری می‌تواند با ما بکند؟... کشتن ده‌ها نفر؟ خراب کردن خانه‌ها؟ مهم نیست... آنچه برای ما حایز اهمیت است این است که مردم با عزت و سربلندی زندگی کنند. هدف اسرائیل از این بمباران‌ها آوارگی و اخراج شمامست و این نقشه یهودیان است. چنانچه در سال ۱۹۴۸ در فلسطین این کار را کردند و صدها تن از فلسطینیان را در دیر یاسین و دیگر مناطق فلسطین سر بریدند. به رعب و وحشت دامن زدند. حدود یک میلیون فلسطینی در نتیجه این جنایات فرار به کشورهای همسایه را ترجیح دادند. سپس یهودی‌ها بدون دردرس فلسطین را اشغال کردند.



تروریست‌های واقعی کسانی هستند که ثروت‌های مردم جهان را غارت می‌کنند. ملت‌های بی‌دفاع و بی‌گناه را قتل عام می‌کنند. تروریست‌ها کسانی هستند که می‌خواهند سلطه خود را بر ملت‌های جهان تحمیل کنند.

شیخ الشهدای مقاومت اسلامی لبنان پس از تشریح هویت و ماهیت تروریسم واقعی می‌افزاید: مردان شجاع و قهرمانی که با شرک و گمراهی می‌جنگند تروریست نیستند. این افراد در برابر متجاوزان از خود دفاع می‌کنند. هدف یاه‌گویی‌های تبلیغاتی قدرت‌های استکباری، مخدوش کردن چهره اسلام است. آنها به پنهان تروریسم می‌خواهند به اسلام ضربه بزنند. روحیه انقلابی مسلمانان را فلج کنند. ادعا می‌کنند که مسلمانان ایرانی، انقلابیون لبنانی در بعلبک و جنوب تروریست هستند. در چه مکانی شما را ترور کرده‌ایم؟ در واشنگتن شما را ترور کرده‌ایم؟ آیا به سرزمین‌تان تجاوز کرده‌ایم؟ آیا فرزندان‌تان را به قتل رسانده‌ایم؟ آیا فرزندان‌تان را بازداشت کرده‌ایم؟ چرا ما را تروریست می‌خوانید؟ آیا زیر دریایی‌های ما به آبراه‌های شما حمله کرده‌اند؟ پس چرا ما را تروریست عنوان می‌کنید؟ آنها با این اتهامات می‌خواهند اراده امت مسلمان به پاخاسته را بشکنند.

#### درباره ضرورت حفظ یکپارچگی

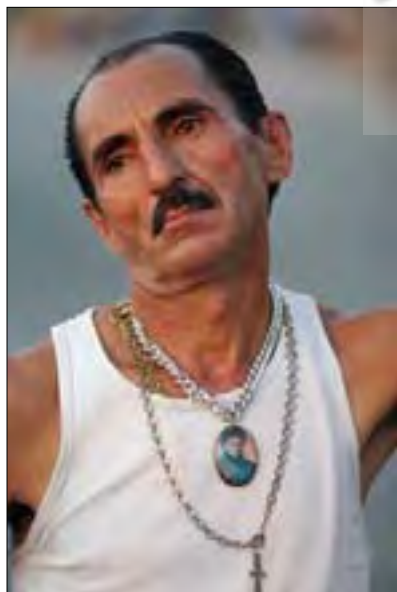
شیخ رافع حرب در واکنش به گسترش دامنه تهاجم دشمنان و اتحاد پلید آنها برای چیره شدن بر مسلمانان و در پرتو اوضاع تأسف بار و پراکندگی مسلمانان، همواره مردم را به حفظ یکپارچگی فرا می‌خواند و وحدت و همبستگی را تنها ضامن خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان می‌دانست. ایشان آرزو داشت با تحکیم پایه‌های وحدت بتواند آرمان و اهداف مسلمانان را تحقق بخشد. شیخ الشهدید به قدری درباره ضرورت وحدت و یکپارچگی سخن گفت تا جایی که مردم لبنان و بسیاری از شخصیت‌های جهان او را پیشگام و یکی از ارکان وحدت اسلامی نامیدند. از هر فرصتی برای تحقق وحدت بهره برداری می‌کرد.

عربی سعی دارد نقش مسلمانان را در صحنه لبنان کم رنگ کند و رفتار آنان را با فرهنگ غربی آلوده کند. زمینه فقر و استضعاف و مهاجرت دسته جمعی خانواده های لبنانی به خارج از کشور را هموار کرده است. می خواهد پیوند مسلمانان و نیروهای آزادیخواه لبنان با جمهوری اسلامی ایران را قطع کند. می خواهد جوانان مسلمان را به پرتگاه فساد و تباهی بکشاند و فساد و انحراف را از لبنان به سایر کشورهای اسلامی صادر کند.

### موضع شهید نسبت به احزاب اسلامی

با اعلام تشکیل جنبش محرومان و گردان های مقاومت لبنان (امل) و همکاری امام موسی صدر با سوریه، این مسئله موجب شد تا جبهه ملی لبنان به خاطر خصومتی که با سوریه داشت برخی اعضای جنبش محرومان را ترور کند. در اوج این بحران شهید شیخ رافع پیوسته به راه های گردآوری و بسیج افراد متعهد و انقلابی و مؤمن می اندیشید تا با به کارگیری توان های مادی و فکری آنها بتواند با مخالفان جنبش محرومان در هر موقعیت و جایگاهی که هستند مقابله نماید. جنبش محرومان در آن زمان به عنوان یک تشکیلات پنهان فعالیت می کرد. برخی از دوستان شهید نقل کرده اند زمانی که ایشان از حوزه علمیه نجف به لبنان بازگشت پیوسته به فکر تشکیل یک سازمان منظم اسلامی دست کم در سطح شهر جیشیت و مناطق مجاور آن بود. او معتقد بود که زمان آن رسیده تا تشکیلات روزهای نوجوانی را دوباره بازسازی کند. این تشکیلات قبلا به نام «حزب الطلیعه الثوریه الاسلامیه» نام گذاری شده بود. شهید پیوسته در این اندیشه بود تا با همکاری امام موسی صدر یک تشکیلات اسلامی سازماندهی کند، و برای تحقق این هدف همراه جمعی از فعالان مسلمان با امام صدر دیدار و گفت و گو کرد.

شیخ الشهید در این باره گفته است: وقتی وارد منزل امام موسی صدر شدیم او را در حال دراز کش یافتیم. ما از جا برخاستیم و از ما به گرمی استقبال به عمل آورد. شهید دکتر مصطفی چمران نیز در منزل حضور داشت. هنگامی که پیشنهاد خود را درباره موضوع تأسیس یک تشکیلات اسلامی مطرح کردیم، امام موسی صدر پیش نویس اساسنامه جنبش محرومان (امل) را از کیفی که نزدیک ایشان قرار داشت بیرون آورد و به ما نشان داد



همت بست. با وجودی که می دانست رهبران احزاب و گروه های سیاسی آدم های فرصت طلب و معامله گر هستند، و جز حفظ منافع و موقعیت خودشان هیچ سودی برای ملت ندارند، ولی در عین حال خطر بزرگی او را به شدت نگران کرده بود. این خطر در پیامدهای جنگ داخلی و اشغال جنوب توسط رژیم صهیونیستی تجلی یافته بود. لذا تلاش خود را روی آرام کردن اوضاع و تقویت جبهه داخلی در برابر

صهیونیست ها متمرکز کرد. اما با این وجود مزدوران محلی و عوامل اطلاعاتی رژیم صهیونیستی که صحنه داخلی لبنان را با دقت زیر نظر داشتند، به اختلافات دامن می زدند تا زمینه ادامه توطئه های خود فراهم نمایند. عوامل دشمن با خرابکاری و دامن زدن به آشوب و اغتشاش می کوشیدند امید مردم را به یأس و ایمان آنان را به ناسپاسی تبدیل کنند. در برخی مراحل شرایط طوری شده بود که امکان داشت مردم تسلیم این توطئه ها شوند.

### صهیونیست ها و فلائژها دو روی یک سکه اند

شهید شیخ رافع حرب موضع خود را در برابر اشغالگران صهیونیست و نیز در برابر نظام سیاسی لبنان که در آن مرحله توسط حزب فلائژیست مارونی اداره می شد و این حزب با اسرائیل همدست شده و قرارداد صلح امضا کرده بود، روشن نموده و اعلام کرد: چنانچه دستورات اسلام راستین به ما آموخته است، میان دشمنانی که بر ضد ما متحد شده اند تفاوت قائل نیستیم. ما همچون مارکسیست ها نه تاریخ را تحریف می کنیم و نه تئوری های انحرافی مبنی ایجاد تفاوت میان دشمن اصلی و دشمن ثانوی ارائه می دهیم. لذا هر گونه سازش با رژیم صهیونیستی به بهانه اخراج آن از سرزمین لبنان راهکاری نادرست و ناشایست است و هیچ سودی برای مسلمانان لبنان ندارد.

**پس از اینکه در خشش نور انقلاب اسلامی جهان را فرا گرفت، مسلمانان مستضعف عزت و جایگاه اصلی خود را باز یافتند. اکنون بسیاری از قدرتهای جهان از مسلمانان حساب می برند. در دل دشمنان خدا و انسانیت رعب و وحشت ایجاد شده است.**

چنین رویکردی به پذیرش دشمن به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در سرزمین لبنان منجر می شود. ما وظیفه داریم در سرزمین مان تأثیرگذار باشیم و موقعیت اسرائیل و آمریکا را به ضعف و سرانجام به شکست بکشانیم. اما کسانی که حاکمیت فلائژها را در لبنان پذیرفته اند از فلائژهای صلیبی بدترند. دشمنی آن ها نسبت به اسلام از صلیبی ها بیشتر است. نظام سیاسی حاکم با توافق و تفاهم کامل با صهیونیست ها و رژیم های دست نشانده



امروزه خواستند همین تجربه را دوباره در جنوب لبنان تکرار کنند. ولی نتوانستند. چون شما مردم ایستادگی کردید و آنها را فراری دادید. در آن زمان سخنان زیادی درباره استقرار ارتش لبنان در جنوب مطرح می شد. مردم سرگردان بودند و نمی دانستند چه کسی را تأیید کنند و با چه کسی مخالفت کنند. بعضی ها به خود زحمت دادند و گفتند که حاضرند پیشاپیش ارتش حرکت کند تا در سرزمین جنوب مستقر شود.

روزی موضع شیخ الشهید را درباره مسئله حضور ارتش در جنوب جویا شدند. ایشان در یکی از سخنان شان تأکید کردند که مردم جنوب با استقرار ارتش مشکل خاصی ندارند. چرا که ارتش باید از جنوب در برابر حمله های نظامی دشمن دفاع کند. اما چه چیزی مانع حضور ارتش می شود نمی دانم؟ مخالفان اعزام ارتش به جنوب، حضور جنبش مقاومت فلسطین و احزاب جبهه ملی را بهانه می آورند. به من بگویید که نیروهای جبهه ملی کجا هستند؟ آیا این جا جبهه ملی وجود دارد؟ اگر ارتش تصمیم گرفته در جنوب مستقر شود و افرادی اجازه ندهاند چرا با این افراد مبارزه نمی کنید؟ چرا اسم ارتش را روی ارتش گذاشته اید؟ آیا می خواهید در کنار جاده ها برای نیروهای ارتش قهوه خانه و رستوران احداث کنیم و به آنان شربت تقدیم کنیم و گلباران شان کنیم؟ هر ارتشی وظیفه دارد از میهن در برابر مهاجمان خارجی دفاع کند. چرا ارتش لبنان به نفع مردم نمی جنگد؟ ببینید وقتی که دولت چند گردان کوچک از ارتش را به جنوب اعزام کرد هیچ کس در برابر آنان ایستادگی نکرد مگر شبه نظامیان متحد اسرائیل.

### موضع شیخ در برابر فتنه های داخلی

همزمان با اوج گیری تحولات و رویدادهای جنگ داخلی لبنان، نشانه های فتنه انگیزی در جنوب توسط مزدوران محلی و دست نشاندهگان نمایان شده و مردم جنوب در آستانه فتنه کور قرار گرفته بودند. همه چیز از امکان بروز درگیری میان جنبش امل و سازمان های فلسطینی مستقر در سرزمین جنوب و دیگر احزاب جبهه ملی خبر می داد. موضع گیری های گوناگون و اظهار نظر ها و دیدگاهها و سلیقه های متفاوت در سایه تجاوزگری های مستمر صهیونیست ها به آتش فتنه در جنوب دامن می زد. در آستانه حمله نظامی گسترده رژیم صهیونیستی به لبنان آتش کینه و خشم در دل گروه های متخاصم شعله ور شده و اوضاع سرتاسر جنوب را بحرانی کرده بود. درگیری های پراکنده در مناطق گوناگون از وقوع توطئه گسترده خبر می داد.

شهید رافع حرب در چنین شرایطی کوشید اوضاع را آرام کند. به فروتنان بدن بحران ها و کشمکش های داخلی کمر

سپرد تا با مأمور کردن یک نفر یا جمعی از علما یا به هر شیوه‌ای که مناسب می‌بینند بر امور مربوط به روحانیون و ائمه مساجد این منطقه از جهان اسلام را نظارت داشته باشند.

### والله ولی التوفیق / راغب حرب

#### ترور ناجوانمردانه راغب حرب

در آن مرحله سرنوشت ساز که رویارویی میان اسلام و کفر آغاز شده بود و عملیات جهادی رزمندگان مقاومت اسلامی زمین را زیر پای اشغالگران متجاوز می‌لرزاند، و با آتش خشم مقدس، دژهای تسخیر ناپذیر آنان را یکی پس از دیگری در جنوب لبنان فرو می‌ریخت، و به آنان درس فراموش ناشدنی می‌آموخت، و دشت و کوهستان جنوب را کمینگاه سربازان اسرائیلی قرار داده بود. شیخ الشهیدی مقاومت اسلامی نماد و پیشتاز مقاومت و سلحشوری شده بود. به همین دلیل تصمیم گرفتند او را از سر راه خود بردارند، تا شاید بتوانند شعله‌های درخشان مقاومت را خاموش نمایند.

دژخیمان مزدور، شبانگاه پنجشنبه ۱۶ فوریه سال ۱۹۸۴ در مسیر راه بازگشت شیخ راغب به منزل از مراسم دعای کمیل در مسجد شهر جبشیت کمین کرده و در حالی که گونه‌های ایشان از اشک گریه مناجات و نیایش به درگاه خداوند قاصم الجبارین خشک شده بود گلوله‌های کینه‌توزی و ناجوانمردی‌شان را با دست‌ان لرزان بسوی قلب ایشان شلیک کردند، و این سوارکار شجاع را بر زمین افکندند تا با خون سرخ خود سرزمین تشنه جنوب را آبیاری کند.

بامداد روز بعد خبر این جنایت هولناک در سرتاسر جنوب لبنان به گوش همه مردم رسید. بی‌درنگ دهها هزار تن از مؤمنان جبل عامل در واکنش به این جنایت به سوی جبشیت به حرکت در آمدند تا در جشن شهادت شرکت نمایند. مردم داغدار با صدای رسا فریاد مرگ بر اسرائیل غاصب سردادند. خواستار انتقام گرفتن از دشمنان و قاتلان شیخ الشهید شدند. با این رهبر فرزانه پیمان بستند که راه خونین او را تا پیروزی نهایی بر اشغالگران و حامیان آن‌ها ادامه دهند. روزهای بعد نشان داد که خون شهید به هدر نرفته است. در سرزمین مقاوم جبل عامل مجاهدان شجاع و شریفی برانگیخته شدند که با بازوان توانمند خود دشمن را به فرار واداشتند، و پیروزی بی‌نظیری را در تاریخ معاصر اسلام رقم زدند.



حدود سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۸ به برقراری ارتباط با شیخ راغب حرب تمایل نشان داد، اما شیخ الشهید تا آن زمان هنوز به پیوستن به حزب الدعوه متقاعد نشده بود. برخی از نزدیکان شیخ گفته‌اند که ایشان در سازماندهی و پیوستن چند هسته به حزب الدعوه در منطقه النبطیه شرکت داشت، اما با همان سرعتی که وارد تشکیلات حزب الدعوه شده بود، با همان سرعت از آن کناره‌گیری کرد.

دیدگاه‌های شیخ تا حدودی به دیدگاه‌های حزب الدعوه نزدیک بود و در فعالیت‌های عمومی آن شرکت می‌کرد. چرا که فضای حاکم بر شهر نبطیه و روستاهای اطراف آن در آن مرحله تا قبل از بازگشت شیخ راغب حرب از نجف اشرف تاحدودی اسلامی بود. بازگشت علامه سید محمد حسین فضل الله و شیخ محمد مهدی شمس الدین به لبنان که هر دو تحت تأثیر حزب الدعوه قرار داشتند، توانسته بودند هسته‌هایی را از هواداران و طرفداران حزبی بوجود بیاورند. از سوی دیگر اکثر همکلاسی‌های شیخ راغب در فضایی نشأت گرفته بودند که از دیدگاه‌های حزب الدعوه متأثر بودند، و این همفکری بسیار طبیعی بود و تا زمان شهادت شیخ راغب ادامه یافت، اما بدون این که ساختار تشکیلاتی و وابستگی به خود بگیرد.

#### یادداشتی با دستخط شهید شیخ راغب حرب

بسمه تعالی:

یکی از مهم‌ترین عوامل پراکندگی مسلمانان به ویژه در لبنان، پراکندگی علمای آن و عدم وجود یک نظام واحد برای سازماندهی آنها و نبود وحدت میان آنان است و بهترین چیزی که می‌تواند بر این وضعیت غلبه کند

**شیخ الشهید خطاب به مقام‌های آمریکا:  
ترور بیست‌های واقعی کسانی هستند که  
ثروت‌های مردم جهان را غارت می‌کنند.  
ملت‌های بی‌دفاع و بی‌گناه را قتل عام  
می‌کنند. ترور بیست‌ها کسانی هستند  
که می‌خواهند سلطه خود را بر ملت‌های  
جهان تحمیل کنند.**

بازگشت به اصولی است که ائمه معصومین (ع) آن‌ها را پایه‌گذاری کردند و فقهای اولیه بر اساس آنها عمل کردند و مابقی علما از آنها تبعیت کردند پس مرجعیت راستین می‌تواند پشتوانه محکمی برای نظم بخشیدن و اصلاح وضع آنان باشد. و قادر است از آنان پیکره واحدی بسازد که هر عضوی به درد آید عضو دیگر از برای آن بی‌قرار نشود علاوه بر آن وجود یک عقل مدبر و کامل که صلاحیت او مورد تأیید دیگران است می‌تواند سدی در برابر خواسته‌های نامشروع ناهلان و ناصالحان شود.

و در حال حاضر مرجعیتی که می‌تواند عملاً این وظیفه را به عهده بگیرد مرجعیت نایب الامام (عج) حضرت آیت الله خمینی (ره) است. لذا لازم است این مسئله را به ایشان



و گفت که این نسخه اساسنامه جنبش محرومان است. شما اولین کسانی هستید که از آن با خبر می‌شوید. امام صدر پس از قرائت اهداف و انگیزه تأسیس جنبش امل، من درباره برخی بندهای آن با ایشان وارد بحث شدم و گفتم که برخی اصول و احکام اسلامی در بندهای این پیش نویس منظور نشده است. امام صدر در پاسخ توضیح داد که این اساسنامه مؤقتی است. امام صدر سپس دیدگاهش را درباره ناسیونالیسم عربی بیان کرد و گفت که ما محیطی عربی زندگی می‌کنیم و باید به موضوع ناسیونالیسم عربی در این اساسنامه اشاره شود. هر چند که مسئله ناسیونالیسم عربی را قبول نداریم.

زمانی که جنبش امل موجودیت خود را اعلام کرد، شهید حرب از طرح تأسیس یک سازمان اسلامی انصراف داد. ولی برای عضویت در جنبش امل تمایل چندانی از خود نشان نداد. اما پس از گذشت مدتی (حدود سال ۱۹۷۶) با اعضای جنبش امل در منطقه النبطیه که از دوستان و همکاران تشکیلات پیشین او بودند، همکاری کرد به این دلیل که این جنبش بستر مناسبی برای فعالیت و مبارزه است. ولی شهید اصرار داشت به جنبش امل به عنوان یک عضو فعال نپیوندد، و تا آخرین روزهای حیات هم از عضویت در جنبش امل خودداری کرد. او بیشتر به عنوان یک مبلغ دینی و رهنمای فرهنگی با این جنبش همکاری کرد. برای دوستان دوره‌های درسی و آموزشی دایر کرد و به تدریس آن‌ها پرداخت. ولی این همکاری مدت زیادی طول نکشید. بنظر می‌رسد در آن زمان سعی داشت با کادری حزب الدعوه که از شاگردان شهید آیت الله سید محمد باقر صدر بودند آشنا شود. به همین منظور با حجت الاسلام و المسلمین شیخ علی کورانی که بتازگی از کویت به بیروت بازگشته بود و در منطقه الغبیری در جنوب بیروت سکونت داشت، دیدار می‌کرد.

یکی از دوستان شهید راغب حرب در این باره گفته است: در برخی جلسات شیخ علی کورانی و شیخ راغب حرب حضور داشتیم. آن دو درباره مسائل گوناگون گفت و گو و تبادل نظر می‌کردند، و من به بحث‌های آن‌ها گوش می‌دادم. شهید در بحث با شیخ علی کورانی، روی دیدگاه‌های خود با فشار می‌کرد، و او نیز از صلابت رأی و روحیه منتقدانه شیخ راغب ابراز شگفتی می‌کرد. گرچه شیخ کورانی بر نداشتن ارتباط سازمانی با حزب الدعوه پافشاری می‌کرد، ولی با این وجود دیدارها و گفت و گوهای آن دو تا مدت‌های طولانی ادامه می‌یافت.

شاید شهید راغب حرب می‌دانست، یا احساس کرده بود که شیخ کورانی مطلب خاصی دارد، و آن را پنهان می‌کند، و شیخ نیز علاقمند بود از آن آگاه شود. در ظاهر امر این گفت و گوها نتیجه‌ای نداشت تا این که حزب الدعوه